

دو کوهه پیشرفت

«جزوه حلقه‌های میانی»



«حلقه‌های میانی»

براساس مجموعه گفت‌وگوها و مقالات پیرامون چستی حلقه‌های میانی و کارکردهای آن

تهیه و تنظیم: مرکز گفتمان‌سازی گام دوم؛ دوکوهه پیشرفت

دی‌ماه ۱۴۰۱

۱. مقدمه

تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی شده شکل منقح و سازمان یافته قصد و نیت تمام مصلحان و رهبران اجتماعی است. رهبران و مصلحان اجتماعی با شناخت نابسامانی موجود و فاصله از جامعه ایده‌آلی که در ذهن خود سراغ دارند، درصدد تغییر جامعه و حرکت دادن آن از وضع موجود به وضع مطلوب هستند. رهبر معظم انقلاب نیز به عنوان یک رهبر و مصلح اجتماعی با عنایت به وضع موجود نظام جمهوری اسلامی ایران و شناخت و احاطه به آن، با صدور بیانیه گام دوم در سال ۱۳۹۷ ضمن فراخوانی جوانان، به عنوان مخاطب اصلی بیانیه، برای رسیدن به آرمان بزرگ انقلاب که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج) است، با ارائه توصیه‌هایی به آنها پیمودن مسیر از وضع موجود به وضع مطلوب را هموار نموده‌اند. از بعد دیگر، بیانیه گام دوم ضمن اینکه یک تغییر اجتماعی برنامه‌ریزی شده است، در پی ایجاد تغییرات اجتماعی از پائین نیز است. با توجه به اینکه مقام معظم رهبری در بیانیه، رکود و خموشی انقلاب اسلامی را به عنوان یکی از مسائل اجتماعی در گام دوم انقلاب مطرح می‌نمایند و از سوی دیگر در همین بیانیه اشاره دارند که چالش درونی این انقلاب عیوب ساختاری و مدیریتی است، قاعدتاً نظریه نظام انقلابی را به عنوان راهکار علاج این مسائل و چالش‌ها می‌دانند، چرا که به واسطه این نظریه، همواره جوانان که مخاطب اصلی بیانیه گام دوم هستند از سوی ایشان تشویق به جوشش انقلابی شده و مجوز پیگیری تغییرات عیوب ساختاری و نظارت و کنترل بر ضعف‌های مدیریتی نظام انقلاب اسلامی را از پایین دریافت کرده‌اند. اما بایستی توجه کنیم که وقوع این امر منوط به ایجاد حرکت‌های مردم‌پایه در بین جوانان کشور است. حال سؤال اساسی این است که چگونه حرکت‌های مردم‌پایه در بین جوانان به جنبش و پویایی می‌افتند؟ آیا باید منتظر باشیم خود به خود به وجود بیایند و یا قابلیت سازمان‌دهی دارند؟ آیا در حوزه‌های مختلف می‌تواند ایجاد شود یا فقط در یک حوزه؟ رهبرانقلاب در خردادماه ۹۸ به صورت مبسوط به بیان مفهومی به نام «جریان‌های حلقه‌های میانی» پرداختند. با توجه به مجموع مباحثاتی که در پیرامون مفهوم «حلقه‌های میانی» صورت گرفته، می‌توانیم حلقه‌های میانی را جریانی بین امام امت و آحاد مردم در نظر بگیریم که در این سطح نقش‌آفرینی می‌کنند. به این معنی که حلقه‌های میانی به مثابه پیشران‌های جامعه، نقش موتور محرک و پیش‌برنده جامعه را ایفا می‌کنند. بنابراین خاستگاه حلقه‌های میانی، مردم و ملت هستند. در ادامه رهبر انقلاب تاکید می‌کنند: «تشکل‌های دانشجویی از این قبیلند ... زمام کار، دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند این‌ها به درد نمی‌خورد».

۲. ماهیت و چیستی حلقه‌های میانی

حلقه‌های میانی، مجموعه‌هایی از میان مردم هستند که به صورت متمرکز برای ایجاد جریان و حرکت عمومی در کشور با محوریت جوانان و از طریق برنامه‌ریزی، ایجاد برنامه کار، پیدا کردن و ارائه راهکار و پیگیری مستمر تا رسیدن به جامعه و تمدن اسلامی مجاهده خستگی‌ناپذیر می‌کنند. مدل ارتباطی حلقه‌های میانی، مدل پیچیده‌ای است که در آن روابط مغزها با یکدیگر و نه روابط مغز با اعضا مطرح است. مقام معظم رهبری در تبیین بیانیه گام دوم و دستیابی به چشم‌انداز مطرح در آن، به لزوم ایجاد یک حرکت عمومی در جامعه توسط جوانان متعهد پرداخته که معقول و منضبط پیش می‌رود و به خصوصیات این حرکت می‌پردازند و در ضمن آن به نقش حلقه‌های میانی اشاره می‌کنند:

«اولاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام می‌دهند یا محور این حرکتند یا لاقط تحریک‌کننده این حرکتند، بایستی صحنه را درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند. یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملت ایران که ما داریم پیشنهاد می‌کنیم و مطرح می‌کنیم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه اسلامی یا تمدن اسلامی است. عنصر سوّمی که [این حرکت] نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه روشن، این نقطه امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمی‌رود. نقطه روشن عبارت است از ظرفیّت‌های ملی‌ای که ما این‌ها را شناخته‌ایم. عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است. مسئله راهکارهای عملی، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش برد. این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند»^۱.

^۱ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱.

طرح بحث حلقه‌های میانی را باید در امتداد سخن انقلاب اسلامی و تعیین جدیدی از جمهوریت دانست؛ زیرا نگاه به فعال کردن مردم و نقش‌آفرینی حقیقی آن‌ها همواره در کلیت سیره امام خمینی و مقام معظم رهبری و نقشه راه انقلاب اسلامی بوده است. به‌عنوان مثال بسیج، کمیته‌های انقلاب و جهاد سازندگی را باید در قالب همین ادبیات حلقه‌های میانی دانست. لذا مسأله امروز پیرامون حلقه‌های میانی، علاوه بر تأسیس در قالب جدید و انگیزه‌بخشی، انضباط‌بخشی و گستره سطح عمل نیز می‌باشد. به‌عبارت دیگر، به نظر می‌رسد طرح بحث حلقه‌های میانی از سوی مقام معظم رهبری اگرچه در امتداد ایده نقش‌آفرینی مردم است اما به دلیل شکست‌های ساختاری و نهادی که در طول سالیان گذشته متوجه نهادهایی همچون کمیته، بسیج، جهاد سازندگی و ... گردید، علاوه بر اینکه انگیزه مضاعفی را در میان بسیاری از سرخوردگان زنده کرد، شروع به نهادسازی جدید و جلوگیری از توقف این ایده نمود؛ نهادهایی که آرام آرام سر برمی‌آورند و ایده انقلاب اسلامی را با تعیین‌های جدیدی پیش می‌برند؛ به‌عنوان مثال، جریان جهادی‌ها را امروز باید تعیینی از این حرکت مردمی در ذیل معنای حلقه‌های میانی فهم کرد. همچنین انضباط‌بخشی نیز باید به صورت ارگانیک و بدون دخالت بیرونی اتفاق بیافتد اما گسترش سطح عمل نیازمند بسترسازی از سوی دولت است؛ یعنی از لوازم گسترش عمل حلقه‌های میانی، وجود ساختارهای در لایه‌های حاکمیتی است که حلقه‌های میانی و ضرورت آن را فهم کرده، اقتضائاتش را بشناسد و میدان را برای آن فراهم نماید. این نظام ارتباطی که در آن ساختارهای حاکمیتی، حلقه‌های میانی و هسته‌های کنشگری با یکدیگر در تعامل هستند، از نظام‌های ارتباطی بسیار پیچیده است. در چنین مدل‌هایی اساساً نظام‌های ارتباطی متنوع و متکثری را می‌توان تصور و طراحی کرد. غالباً این مدل از شبکه‌های ارتباط انسانی، از ماندگاری بیش‌تری برخوردار هستند. لکن پیچیدگی این شبکه روابط را باید بیش از هر چیز ناظر به نسبت حلقه‌های میانی با جامعه، دانست که در آن حلقه‌های میانی عام و حلقه‌های میانی تخصصی، هسته‌های کنشگران اعم از نوجوانان، جوانان، زنان، دانشجویان و ... روابط گوناگون و متنوعی را برای تحقق یک امر شکل می‌دهند؛ هرچه حرکت حلقه‌های میانی و هسته‌های کنشگر تخصصی شود، این شبکه پیچیدگی‌های بیش‌تری را پیدا می‌کند. براین اساس، حلقه‌های میانی افراد و مجموعه‌های مردمی هستند که با درک ضرورت تحقق حرکت عمومی جامعه با محوریت جوانان متعهد، با تمرکز، برنامه‌ریزی، هدایت، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه، در یک عرصه مشخص (خاص) یا به صورت عمومی (عام)، راهکارهای عملی به‌میدان آوردن مردم برای افاده (مانند تشکیل گروه‌های مردمی جدید) جهت پیشرفت و حل مسائل فرهنگی اجتماعی را دنبال می‌کنند.

۳. تحولات حکمرانی در جهان و لزوم حکمرانی نوین

امروز کمتر استراتژیست، راهبردان‌دیش، متفکر و پژوهشگاه و اتاق فکری است که به پایان دوران نظم Nation-State^۱ اشاره نکرده باشد. دولت - ملت، نظم سیاسی - اجتماعی است که از حدود ۲۰۰ سال پیش و قرن هجدهم میلادی در دنیا حاکم شده است که طی آن حاکمیتی تحت عنوان دولت متولی تمام امور مردم یک کشور است و این دولت با مردم مناسباتی دارد. این قاعده، چنان امری خلل‌ناپذیر و بدیهی توسط کشورهای غربی به سایر جوامع ارائه شد، که فکر کردن به حالت دیگری از حکمرانی برای ایشان امری غیرممکن جلوه نمود و تبدیل به نظم تثبیت شده‌ای در دنیا گردید. در نتیجه جوامع دیگر بدون آنکه به پدیده‌های اجتماعی که در برگیرنده نحوی از نظم اجتماعی - سیاسی در معنای مدرن بودند عمیقاً فکر کرده باشند، آن‌ها را پذیرفتند. پدیده‌هایی همچون شهرسازی، معماری، بروکراسی، آموزش و پرورش و ... اما امروز بارقه‌ها و نشانه‌هایی از جریان نظم و حکمرانی جدید را می‌توان شاهد بود؛ به‌عنوان مثال، زمانی نه چندان دور، از مهم‌ترین بحث‌های شهرداری، مسائل مربوط به سازمان تاکسیرانی و چگونگی سامان دادن به جریان تاکسیرانی و خدمات آن در شهرها بود اما امروز با پیدایش نرم‌افزارهایی همچون اسنپ، تپسی و ... صحبت از سازمان تاکسیرانی، یک شوخی محض است. همین اتفاق، برای نظام آموزش و پرورش نیز قریب‌الوقوع و فروپاشی آن در حال تحقق است؛ به‌نحوی که امروز پس از طی دوران کرونا، می‌توان با آمدن پلتفرم‌های گوناگون آموزشی، از بین رفتن ساختارهای سنتی و مدرک‌گرایی آموزش و پرورش در کشور را نظاره کرد. امروز در ابعاد وسیع بین‌المللی نیز پدیده‌هایی که نشان‌دهنده نحوی از حکمرانی جدید در دنیا هستند، خود را نشان می‌دهند تا آنجا که باید منتظر پدید آمدن کشورها، ملت‌ها و دولت‌ها جدید در دنیا بود. دنیایی که در ۱۰ سال آینده با آن مواجه هستیم نسبت به دنیایی که امروز در آن زیست می‌کنیم دنیای بسیار متفاوتی خواهد بود؛ همانطور که ۱۰ سال پیش که هنوز شبکه‌های اجتماعی آنلاین^۲ با این تنوع و قدرت وجود نداشت با امروز که زندگی اکثر مردم در این شبکه‌های اجتماعی

^۱ دولت - ملت: نوع خاصی از دولت ویژه جهان مدرن است که در آن یک دستگاه سیاسی در قلمروی ارضی معینی دارای حق حاکمیت است و می‌تواند این حق را با قدرت نظامی پشتیبانی کند. این ساختار مدرن «ساختار سیاسی دارای حق انحصاری اعمال اقتدار مشروع در سرزمینی مشخص» است. دولت - ملت، پدیده‌ای مدرن است که عقلانی شدن ساختارهای گوناگون اداری، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، آن را از ساختارهای سیاسی پیشین مانند امپراطوری‌ها و حکومت‌های قبیله‌ای متمایز می‌کند.

^۲ اصطلاح شبکه‌های اجتماعی یک مفهوم عمومی و بسیار گسترده است که همه انواع شبکه‌های اجتماعی انسانی را در برمی‌گیرد؛ اما شبکه‌های اجتماعی آنلاین یا دیجیتال، به معنای خاصی از آن اشاره دارد که امروز در بستر برنامه‌های کاربردی (اپلیکیشن) همچون اینستاگرام، توییتر، فیس‌بوک، یوتیوب و ... محقق می‌شود.

معنا می‌شود، خیلی متفاوت بوده است؛ به نحوی که امروز وقتی از «صله رحم»، «تحصیلات»، «کار تشکیلاتی» سخن به میان می‌آید، بخش قابل توجهی از این امور در شبکه‌های اجتماعی در حال تحقق است و تصور تحقق برخی از این امور همچون کارهای تشکیلاتی بدون استفاده از این شبکه‌ها اساساً امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا بسیاری از شاخص‌ها و شیوه‌های رفتار فردی، گروهی، جمعی، تشکیلاتی، کسب‌وکاری و ... دستخوش تغییر شده است. ما در آینده با دنیایی مواجه خواهیم بود که شبیه به همین وضعیت در آن رخ خواهد داد.

۱-۳. حلقه‌های میانی و تقابل با ایده دولت - ملت

باید به این امر توجه داشت که اساساً ایده انقلاب اسلامی در تقابل با ایده دولت مدرن (state) است؛ تا آنجاکه بسیاری از متفکرین آن را تحولی پسامدرن قلمداد کرده و راه برون از سیطره استیت و لویاتان است. لویاتان اشاره به یک هیولا و غول عظیم‌الجثه‌ای است که از دریا سرک می‌کشد و مثل و مانند ندارد. این نام از باب چهل و یکم کتاب ایوب، در تورات گرفته شده است. لویاتان، کتابی است نوشته توماس هابز که اولین شرح جامع درباره دولت جدید و ویژگی‌ها و کارکردهای آن است. تامس هابز در این کتاب می‌گوید انسان در وضعیت طبیعی با خشونت، همسو و همراه است و دست از جنگ و ستیز بر نمی‌دارد و به همین دلیل به سرور و رهبری که به او امر و نهی کند (به لویاتان) نیاز دارد و برای پایان دادن به جنگ و خشونت، چاره کار این است که به «دولت قدرتمند» تن دهد و الزاماتش را بپذیرد. هابز در کتاب خود نشان می‌دهد که چگونه ترس از مرگ باعث به وجود آمدن یک قرارداد اجتماعی بین انسان‌ها می‌شود. ساختارها و نظم فعلی دولت مدرن نمی‌توانند ایده دین به منزله امر عمومی را که انقلاب اسلامی مطرح کرد پیش ببرند؛ لذا توان حمل بار انقلاب فرهنگی مردم ایران را ندارند. در این میان، مهم‌ترین اتفاق برای بازسازی ساختارهای فرهنگی، بازگرداندن انقلاب به ساختارهای مردمی و سپردن رهبری امور به مردم است و عمده توفیقات جمهوری اسلامی، زمانی محقق گردیده است که مردم به میدان آمده‌اند. امروز با نشانه‌هایی که دلالت بر کمرنگ شدن سیطره دولت مدرن و نظم ملت - دولت به وجود آمده است، این امکان پس از چهل سال، بیش از پیش برای انقلاب اسلامی به وجود آمده است که ایده حکمرانی مردمی خود را محقق کند. ایده‌ای که انقلاب اسلامی آن را ابتدا مطرح لذا باید خیز جدیدی برداشت و حرکت نویی را شروع کرد که با دنیای جدید پیش رو تناسب داشته باشد و پیش‌بری انقلاب اسلامی با شاخص‌های گذشته، امکان‌پذیر نخواهد بود و جریان دیگری برای ادامه این حرکت باید شکل بگیرد. چنانکه پیداست، مقام معظم رهبری در حال پیش‌بری طرحی تمدنی است که درهم‌تنیده با تحول است و مابازای آن تحولی بزرگ را

در جریان‌های انقلابی و اجتماعی حکمرانی نوین و نظم اجتماعی باید بتوان رقم زد. در این طرح تحولی، شکل‌گیری حلقه‌های میانی و امت‌های پیشران اهمیت زیادی دارد و این امر نیازمند ایجاد منطق، رویکرد، ادبیات، روایت و شیوه‌های کنش‌گری جدیدی است که حول آن شبکه‌ای از کنشگران شکل گیرد. عرصه‌هایی که جذابیتی برای دولت مدرن ندارند، بهترین نقطه برای فعالیت حلقه‌های میانی و حرکت به سمت تمدن اسلامی است، مانند فعالیت‌های جهادی در مناطق محروم و بررسی مسائل و ارائه راه‌کار برای آن؛ حلقه‌های میانی در مرحله ابتدایی در نقش رخنه‌پوش دولت مدرن عمل می‌کنند اما غایت کار آن‌ها تحول در دولت مدرن و مقتدر است.

۲-۳. حلقه‌های میانی در افق حاکمیت نوین

وضعیت امروز انقلاب، وضعیتی است که نیازمند یک تکانه، نهضت و جوششی جدید متناسب با دوران جدید برای ادامه مسیر است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این جریان جدید، حرکت تحولی آن است؛ امروز در بسیاری از شاخص‌های پیش‌بری انقلاب اسلامی، نیازمند تحول و دگرگونی گسترده هستیم. امروز در وضعیتی قرار داریم که در آن می‌توانیم به پدیده‌هایی همچون شهر، نظام آموزش، نظام سلامت و ... فکر کنیم. در ۱۰۰ سال پیش شهرها به این شکلی که امروز هستند، وجود نداشت؛ چنانکه نظام آموزشی و نظام سلامت ما در آن زمان با امروز تفاوت‌های اساسی داشته‌اند. اساساً سبک زندگی ما که شهرسازی و معماری، نظام آموزشی، نظام سلامت و ... از شئون آن بوده‌اند، به نحو دیگری بود و ساختار شهری، آموزشی و بهداشتی متفاوتی بر آن حکم فرما بود. به‌عنوان مثال، نظام سلامت در ۱۰۰ سال پیش، به جای درمان، ابتناء بر پیشگیری داشته است و حکیم صرفاً درمانگر نبوده است؛ بلکه کسی بود که جامعه را به سمتی هدایت می‌کرد که کم‌ترین بیماری در آن وجود داشته باشد و مسأله اصلی عدم شکل‌گیری بیماری در جامعه بوده است و لذا تغذیه اهمیت زیادی داشته است، اما امروز بیمار و دارو رکن اصلی نظام سلامت هستند و ما با پدیده‌ای به نام بیمارستان مواجه هستیم که در گذشته وجود نداشته است. امروز تغذیه جایگاه کلیدی در نظام سلامت ندارد؛ شما می‌توانید هرچه خواستید مثل ساندویچ‌های سرد، نوشابه، فست‌فود و ... بخورید و لذت ببرید اما پس از آن بیمار می‌شوید و باید در بیمارستان درمان می‌شوید. امروز ما در زمانه‌ای هستیم که باید مبتنی بر فهم جدید از این نظامات، به دنبال تحول در آن‌ها از طریق نهضت و تکانه‌های اجتماعی باشیم؛ نهضتی که انگیزه‌ها، عزم‌ها، فکرها و توان‌ها را به میدان آوردن آن‌ها شکوفا و خلاق می‌کند؛ ما در زمانه تحول و قیام هستیم، چراکه ولی امت، به مردم نامه نوشته و با تبیین اینکه عصر و عالم جدیدی در حال رقم خوردن است و ریل حرکت کشور از توسعه به پیشرفت باید تغییر

کند و باید تحولی رقم بخورد و چشم امید به جوانان در تحقق آن دارد، به جوانان فرمان داده است که به برپاخیزید و حماسه بیافرید. حلقه‌های میانی در شرایط نظم نوین جهانی را باید ایده میانبر انقلاب اسلامی به سمت دولت اسلامی دانست و آن را باید یکی از مهم‌ترین نظریه‌های تحول حکمرانی قلمداد کرد. نظریه جریان حلقه‌های میانی در شرایط کنونی انقلاب اسلامی و جهان، کارکردهای مهمی را متوجه گروهی از مردم به نام حلقه‌های میانی کرده و مبتنی بر آن وظایف و مأموریت‌هایی را بر دوش آن‌ها قرار داده است. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که کارکرد تحول‌گری حلقه‌های میانی، ایجاد مسیرهای موازی و مطالبه‌گری برای اصلاح ساختارها است و نه کنار زدن، بی‌توجهی و ستیز با ساختارها.

۳-۳. حلقه‌های میانی و تحول در الگوی حکمرانی

چنانکه ذکر شد غایت کار حلقه‌های میانی را باید تحول در دولت مدرن و مقتدر (state) دانست؛ به نحوی که در نهایت چیزی به نام استیت وجود نخواهد داشت. در این میان، حکومت‌های گوناگون، بسته به اینکه چه مقدار به استیت و دولت مقتدر باور داشته باشند، در مقابل این جریان مقاومت و سرعت آن را کند یا تند خواهند کرد اما در نهایت مبتنی بر ایده حلقه‌های میانی، این حلقه‌ها در موقعیت‌های مختلف آنقدر از خود کارکرد نشان خواهند داد که دولت‌های مقتدر در حداکثری‌ترین حالت اقتدار خود نیز مجبور به پذیرش اثرگذاری آن‌ها آن‌ها شوند. به این دلیلی که وقتی جایگاه مسئولیت از عهده دولت خارج شود، حجم زیادی از اتفاقات و مسائل در میان خود مردم حل و فصل و مسیر مردمی‌سازی دولت حل و فصل خواهد شد. به عنوان مثال، مروری بر حرکت جهاد سازندگی و کمیته‌های انقلاب که در تجربه آن‌ها میان دولت و مردم برداشته شده بود و یا در حضور همیاران بیماران کرونایی در بیمارستان‌ها و همچنین خدمت‌رسانی گروه‌های جهادی به مناطق سیل‌زده یا زلزله‌زده، نمونه‌ها و نشانه‌هایی از تحول حکمرانی از مسیر حلقه‌های میانی و در هم شکستن مقاومت دولتی را می‌توان نظاره کرد.

اساساً ایده مرکزی ناظر به حلقه‌های میانی، تحول حکمرانی انقلاب اسلامی در گام دوم آن، افزایش اختیارات عمومی و آزادسازی ظرفیت‌های مردمی است. در برابر این ایده تحولی به واسطه حلقه‌های میانی، ایده حکمرانی غرب همواره مطرح بوده است؛ ایده‌ای که از طریق بسط حداکثری توسعه تکنولوژی، سبک زندگی را سامان می‌دهد و اقتدار دولت را افزایش و بر مردم حکومت می‌کند. به عبارت بهتر، توسعه تکنولوژی منجر به کاهش اختیارات، آزادی‌های مردم و نادیده گرفتن ظرفیت‌های آن‌ها می‌شود. با توجه به این نکته، اگر حلقه‌های

میانی به عنوان پلتفرم‌های پر قدرت اجتماعی در مقابل تکنولوژی که وظیفه‌اش رگولاتوری^۱ است، بتواند هماهنگ‌کنندگی و تنظیم افعال بسیار متنوع را با قدرت بیش‌تری سامان‌دهی کند، می‌تواند نظم حکمرانی غرب را با چالش اساسی مواجه کرده و بر آن فائق شود. یکی از وجوه تمایزدهنده پیشرفت از توسعه به عنوان دو الگوی حکمرانی از یکدیگر را باید در همین امر دانست که یکی به کنترل‌گری مردم و دیگری به سپردن امور به مردم می‌پردازد و در نهایت هر کدام از دو ایده منتج به سبک زندگی متفاوتی می‌شوند. اساساً دوگانه دولت - ملت و امت - امامت در این معنا و مفهوم از نقش مردم خود را نمایان می‌کنند.

۳-۴. نظام امامت - ملت و نقش حلقه‌های میانی

در دوگانه نظام امت - امامت و نظام دولت - ملت، می‌توان ایده اصلی جمهوری اسلامی را نظام امامت - ملت دانست. ریشه این بحث را باید به متولد شدن مفهوم ملیت در ایران با اعلام رسمی تشیع از جانب صفویه برگرداند به نحوی که تشیع و ملیت، دینی بودن و ملیت در ایران مساوق و ملازم یکدیگر شده‌اند؛ دقیقاً از همان حیثی که دینی است، ملی است و از همان حیثی که کلی است، دینی است و کلیت به این نحو در ایران شکل گرفته است و تا پیش از این دوران، مفهومی تحت عنوان ملیت در ایران دارای پیشینه نبوده است. ادبیات ملیت، دارای لوازمی است که از مهم‌ترین آن‌ها، نسبت داشتن با ملت‌های دیگر است. از آنجا که به دلیل ولایی بودن انقلاب اسلامی، ایده اصلی حکمرانی در آن ایده امت - امامت است اما آن را از بستر ملت‌های دیگر دنبال می‌کند. در نظام امامت - ملت، حد وسط تفاهم اجتماعی، مبتنی بر منافع ملی است؛ منافع ملی بودن و دینی بودن را توأمان با یکدیگر جمع کرده است. لکن از چالش‌های مهمی که ذیل این نظام در جمهوری اسلامی مشاهده می‌شود، شکل گرفتن دوگانه دولت مردمی در برابر دولت مردم است. در مفهوم دولت مردمی، علی‌رغم اینکه دولت رفتارهای مردمی داشته باشد و مسائل را در میان مردم فهم کند و حقوق مردم را پی‌گیرد، اما امکان مشارکت عمومی مردم وجود ندارد. در صورتی که باید مقید کردن تصمیمات به رعایت حقوق مردم را مقدمه و راهبردی قرار داد برای حضور مردم در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و سپس به سمت اجرای آن‌ها و نظارت بر تحقق آن‌ها پیش رفت؛ چراکه حکومت و دولت‌ها، برای جامعه‌سازی محیط‌بان هستند و شرایط امکان را فراهم می‌کنند. فلسفه تقدم دولت اسلامی بر جامعه اسلامی در منطق حرکت تمدنی انقلاب اسلامی را در همین امر باید

^۱ Regulatory: کنترل و هدایت‌گری

دانست. بنابراین اگر راهبردهای دولت برای جامعه امکان‌ساز نباشد، جامعه به آن نحوی که می‌خواهد پیش نمی‌رود. وضعیت فعلی دولت در جمهوری اسلامی، بیش از آنکه ناظر به دولت مردم باشد، ناظر به دولت مردمی است؛ درحالی‌که دولت مردمی به یک بخش عظیمی از حلقه‌های میانی با شاخصه‌های ذکر شده نیاز دارد که این حلقه‌ها در گام اول بتوانند تصمیمات دولت را به رعایت حقوق عامه و مصالح عمومی مقید کنند و در گام بعد در عموم مردم به مشکل‌سازی آن‌ها پردازند و به میزانی که بتوانند در عموم مردم گشایش ایجاد کنند، تصمیمات گام اول امکان تحقق پیدا می‌کنند. در گام آخر، حلقه‌های میانی باید ظرفیت‌های مردم را به میدان آورده و آن‌ها را در حل مسائل کشور و ملت مشارکت دهند. در این فرآیند است که دولت مردمی می‌تواند زمینه‌ساز شکل گرفتن دولت مردم شود.

۴. حلقه‌های میانی در منطق شبکه‌سازی

امروزه در دنیا راجع به اینکه سازمان‌ها چگونه می‌توانند تبدیل به شبکه شوند مقالات و گفتارهای متعددی پیرامون اینکه اساساً سازمان‌ها و تشکلهای شبکه نیستند و همچنین اینکه چگونه بهره‌وری سازمان می‌تواند با مدیریت شبکه افزایش پیدا کند، می‌توان جست و مطالعه کرد. لکن در جامعه ما، یکی از قدیمی‌ترین و پرقدرت‌ترین تشکیلات، «بسیج» بوده است. بسیج در نظریه اصلی و عامش کاملاً یک حرکت شبکه‌ای است؛ اساساً بنیاد نظری بسیج، بر نظام مدیریت شبکه‌ای استوار است اما آنچه امروز در بسیج در حال تحقق است، حرکت تشکیلاتی و شبه سازمانی به معنای مرسوم آن است. تشکیلات برای اینکه تبدیل به شبکه شود، نیازمند تغییر قواعد حرکت خود است و بازسازی مجدد خود است. براین اساس، به نظر می‌آید بحثی که مقام معظم رهبری در موضوع حلقه‌های میانی مطرح کرده‌اند بسیار به مدل حرکت شبکه‌سازی گره‌خورده است و اساساً با منطق شبکه‌سازی امکان تحقق دارد. برخی بر این باور ناصواب هستند که می‌توان جریان اندیشه‌ورزی و هیئت‌های اندیشه‌ورز و یا مجموعه حلقه‌های میانی را با ادبیات سازمانی یا تشکیلاتی یا کمپینی مدیریت کرد و تقریباً در تمام حرکت‌هایی که در کشور پیش رفته است، این منطق با شکست روبه‌رو بوده است. در صورتی‌که باید به سمت سامان دادن جریان شبکه‌ای در حلقه‌های میانی رفت و در این مدل، بتوان ارتباطات شبکه‌ای قدرتمندی برای جهت‌دهی، هدایت و حرکت جبهه ایجاد کرد. به نظر می‌آید بنیان نظریه شبکه‌سازی مقام معظم رهبری در تمثیلی است که ایشان از حرکت بسیج و هیئت‌های اندیشه‌ورز در آن بیان کرده‌اند:

«هیئت اندیشه‌ورز در بالاترین سطوح بسیج که برای کل مجموعه بسیج بنشینند خط‌نگاری کنند، راهبردنگاری کنند. ما راهبرددانشانی را لازم داریم که بنشینند و کارشان فقط این باشد؛ این از مهم‌ترین کارها است. مثل راهبرددانشان نظامی که در همه‌جای دنیا هم معمول است، به قول خودشان استراتژیست‌های نظامی که می‌نشینند و تکلیف جنگ را، کار نظامی را مشخص می‌کنند ... نمی‌گویم مثل یک عضو از بدن؛ نه، چون اعضای بدن درست است که حرکت می‌کنند، اما همه اسیر مغزند؛ مغز می‌گوید بین، مغز می‌گوید بشنو، مغز می‌گوید بگو یا حرکت کن؛ مغز فعال است. در بسیج این‌جوری نیست که فقط از مرکز بگویند بگو؛ نه، مثل این است که هر عضوی خودش یک مغزی داشته باشد که با آن مغز اصلی که در سر است هماهنگ باشد - که این هماهنگی البته راه‌هایی دارد - یک چنین حالتی به وجود خواهد آمد»^۱.

ایشان از تمثیل بدن اما با یک تفاوت مهم استفاده کردند و رابطه‌ای متفاوت را میان لایه‌های بسیج ترسیم می‌کنند؛ در این مدل رابطه، رابطه مغز با اعضا مطرح نیست بلکه رابطه مغزها با هم مورد تأکید قرار گرفته است. رابطه مغز با مغز یعنی ترسیم یک شبکه آگاهی و عقلانیت دارد؛ شبکه‌ای که نشان‌دهنده وجود جریان مغزهای متنوع و متکثر و ارتباط و هماهنگی آن‌ها با یکدیگر است هستند. در این مدل، اساساً وجه آگاهی‌پایه بودن شبکه و عناصر آن موضوعیت دارد. همچنین آن چیزی که مقام معظم رهبری پیرامون حلقه‌های میانی که در هر برهه‌ای از زمان مسائل را تشخیص می‌دهند، به راهکار می‌رسند و جریان‌های مردمی را به میدان می‌آورند، به این تمثیل نزدیکی زیادی دارد.

«در هر برهه‌ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است ... بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به‌عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست؟ راهکارهای عملی احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتوان این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش برد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولان خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکل‌های دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند و هر که در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است»^۲.

^۱ بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳.

^۲ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱.

حلقه‌های میانی، شکلی از هیئت‌های اندیشه‌ورز هستند؛ هیئت‌های اندیشه‌ورز نیز راهبردانیش، رصدگر و تحلیل‌گر هستند و این‌ها در نقطه‌نقطه مسائل، عقل تشکیلات بسیج و تشکیلات جبهه فرهنگی می‌شوند و این منطق از صدر تا ذیل شکل می‌گیرد. هیئت‌های اندیشه‌ورز و عناصر متفکر دارای اجتهاد باید در مسائل گوناگون، نقش‌آفرینی جدی کنند و شبکه عقلانیتی که پایگاه به پایگاه، هیئت به هیئت، مسجد به مسجد شکل می‌گیرد باید بتوانند با هم ارتباط شبکه‌ای بگیرند؛ ارتباطی که همچون نگاه غالب در سازمانی و تشکیلاتی بالا و پایین نیست و هرمی نیست. برخلاف تصور رایج، اغلب شبکه‌ها به صورت هرمی نیستند، بلکه صفحه‌ای است که عناصرش حضور داشته و با هم ارتباط می‌گیرند. این شبکه، اساساً اندیشه‌پایه است و عناصر آن وجوه حلقه میانی شدن را دارند؛ به نحوی که قدرت تشخیص مسئله و ایجاد بدنه برای خودشان دارند، خودجوش هستند، صاحب اجتهاد بوده، در میدان هستند، رصدگر تحلیلی میدان هستند و برای حل مسائل به طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند. در این میان، باید بتوان شبکه را از طریق حلقه‌های میانی که میدان مخاطب داشته و قدرت به میدان آوردن بدنه اجتماعی همچون نوجوانان، زنان، دانشجویان را دارند، مدیریت و هدایت کرد.

در واقع حلقه‌های میانی همان نودهای^۱ شبکه هستند که در اطراف آن‌ها هسته‌هایی به صورت منظومه‌وار و خودجوش شکل گرفته‌اند. ارتباط میان هسته‌ها و اعضای آن با حلقه میانی به شکل ارتباط سازمانی و قواعد تشکیلاتی نیست که افراد نیرو و عنصر حاضر در تشکیلات حلقه میانی باشند و این حلقه میانی برای آن‌ها تعیین و تکلیف کند. از آنجا که برخی حلقه‌های میانی آگاهی و قدرت توانمندی هسته‌ها و برقراری ارتباط شبکه‌ای با آن‌ها را ندارند، در این ورطه گرفتار می‌شوند و افراد توانمند را تبدیل به نیروی سازمانی یا تشکیلاتی خود می‌کنند. حلقه میانی باید قدرت ارتباط شبکه‌ای و جهت‌دهی به شبکه را داشته باشد. اساساً جهت، پایه و محور حرکت شبکه‌ای است که باید مبتنی بر طرح تمدنی انقلاب اسلامی باشد. ما به ازای این طرح تمدنی، مجموعه‌ای از مبانی معرفتی، راهبردها، دستورات و ایده‌ها توسط مقام معظم رهبری ارائه شده است. مبتنی بر این امور، باید بتوان شبکه‌ای ایجاد کرد که در مقام «عونیت و یاری رساندن به ولی» برای این طرح تمدنی باشد؛ لذا این شبکه و حلقه‌های میانی باید این طرح تمدنی را فهم کنند، پیش ببرند، در آن نقش‌آفرینی کنند و دیگران را با آن همراه کنند.

^۱ نود (Node) یا گره، همان نقطه اتصال در شبکه هستند.

۵. حلقه‌های میانی و عقلانیت راهبردی

از مهم‌ترین ابعاد نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی، تولید عقلانیت و برون‌رفت از انسداد فکری است. با توجه به اینکه کارویژه حلقه‌های میانی ارائه راه‌کارهای عملی مورد نیاز در هر زمان است، پس مأموریت این حلقه‌ها به صورت مستقیم با موضوع عقلانیت راهبردی گره خورده است؛ بنابراین، حلقه‌های میانی علاوه بر اینکه گفتمان‌ساز و نوآور هستند، باید راهبرداندیش نیز باشند، چراکه باید مبتنی بر مأموریتی که بر دوش دارند، راه‌کارهایی که ارائه می‌دهند را به جریان گفتمانی قدرتمندی در جامعه تبدیل کنند تا تا از طریق ایجاد و بسط عقلانیت گفتمان‌ساز، جریانی را رقم بزنند که به برون‌رفت از انسداد عقلانی که وضع امروز جامعه است، ختم شود. حلقه‌های میانی باید تبدیل به حرکتی شوند که دارای قدرت عمل جریان‌سازانه و شبکه‌ای باشد و این امر توان گفتمان‌سازی می‌طلبد؛ چراکه پیشبری کاروان بزرگ جامعه، جز با گفتمان‌سازی ممکن نیست. اساساً قرار گرفتن در مقام عمل جریان‌سازانه، نیازمند فهم و کنش شبکه‌ای است و شرط اصلی شبکه شدن، ورود به نظام روابط امام و امت است؛ به این معنا که مسأله افراد معطوف به جهت‌های نظام مسائل امام و امت باشد و نه که حلقه‌های میانی برای ایجاد این جریان گفتمان‌سازی، نیازمند لوازمی هستند که از جمله آن‌ها عبارتند از: «خلافت، نوآوری و نگرش تاریخی و تطبیقی داشتن».

شکل دادن به جریان عقلانیت در جامعه که دارای خصائص فوق می‌باشد، مسیری را پیش روی حلقه‌های میانی قرار می‌دهد که طبق آن باید با جریان‌های اجتماعی ارتباط گرفته و از این طریق مردم را به میدان بیاوند. تحقق چنین امری نیازمند آن است که در نهادهای فرهنگی، اجتماعی، جهادی و انگاره‌ها و روحیات حاکم بر محیط‌ها، گروه‌ها، جمع‌ها و افراد مؤثر فرهنگی تحول بزرگی رقم بخورد. حلقه‌های میانی که از جنس امت‌های پیشران هستند، اگر به هویت خود آگاه نباشند، مأموریت تاریخی و تمدنی خود را محقق نخواهند کرد؛ اساساً آگاهی به این هویت تاریخی و به میدان آوردن مردم حول آن است که سبب می‌شود، اندیشیدن به مسائل و ارائه راه‌کارها تبدیل به گفتمان عمومی جامعه و حل شدن مسائل شود. بر این اساس، ایده تشکیل هیأت‌های اندیشه‌ورز از سوی مقام معظم رهبری را باید ناظر به وضعیت امروز انسداد عقلانیت و شکستن آن قلمداد کرد.

۶. حلقه‌های میانی به‌مثابه زنجیرهٔ تواسی

حلقه‌های میانی یک مفهوم نسبی است؛ اینطور نیست که حلقه‌هایی در سطح بالا باشند و حلقه‌هایی در سطح میانی. مفهوم حلقه‌های میانی را در نسبت با «زنجیره تواسی» باید فهم کرد؛ تواسی یک تعامل دوطرفه است به‌این معنی که هیچ انسان مسلمانی حق ندارد صرفاً گوش باشد یا صرفاً زبان. بلکه اگر می‌خواهد در مسیر تکامل باشد بایستی از یک طرف گوش و از یک طرف زبان باشد. وقتی در گروه‌های بالاتر از سطح معرفتی خود هست، بایستی بشنود و سطح معرفتی خود را ارتقا دهد، و وقتی در گروه‌های پایین‌تر از سطح خود است، بایستی آنچه را می‌داند، به آنها هم تعلیم بدهد. پس هر فردی دو نقش در حلقه میانی خود دارد، زمانی تعلیم دهنده است و زمانی یادگیرنده. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^۱ یعنی این تفاوت‌های ظاهری که در شما ایجاد کردیم هدفی دارد، حکمتی دارد و آن این است که هر کدام از شما به تبع نژاد، ژنتیک، موقعیت جغرافیایی، تجربه تاریخی و ... مزیتی نسبت به دیگری پیدا می‌کنید و بایستی در مسیر معرفت‌افزایی باهم دیگر «هم‌افزایی کنید» - لتعارفوا- با هم‌افزایی می‌توانید به معرفت‌های بالا و بالاتر دست پیدا کنید و متعالی شوید.

بر اساس این مبنا، هدف اصلی حلقه میانی باید گسترش و ارتقای هم‌افزایی اجتماعی باشد؛ به این صورت که ظرفیت‌ها و نیازها را شناسایی می‌کند و این دو را به یکدیگر متصل می‌کند. اینطور هم نیست که یک عده فقط ظرفیت داشته باشند یک عده فقط نیاز داشته باشند. قرآن داریم در این رابطه می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ﴾^۲ (خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد چراکه استعدادها و تلاش‌هایتان متفاوت است). این را مفسرین گفته‌اند منظور این نیست که یک عده، برای همیشه و در همه ساحات بر دیگران برتری یافتند؛ بلکه به این معناست که ما شما را محتاج یکدیگر قرار دادیم.

مقام معظم رهبری در تعبیر زیبایی که در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» نیز بیان شده است، این امر را «ولایت افقی» یا «ولایت عرضی» نامیده‌اند؛

^۱ قرآن کریم، سورهٔ حجرات، آیه ۱۳.

^۲ قرآن کریم، سورهٔ نحل آیه ۷۱؛ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الْغَدِينُ فُضِّلُوا بِرَادَىٰ رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِعَمَلِهِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ.

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۱. (و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو و ادب و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید، که خدا صاحب اقتدار و درست‌کردار است).

در نتیجه کار اصل حلقه‌های میانی این است که ارتباطات اجتماعی و هم‌افزایی اجتماعی در جامعه را به اوج برسانند. همچنین قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بَنِيَّانٌ مَرْصُوصٌ﴾^۲. خداوند دوست دارد کسانی را که چونان زنجیره به هم پیوسته و بنایی آهنین در راه او جهاد می‌کنند. امیرالمؤمنین در خطبه ۳۴ نهج البلاغه می‌فرماید: «غُلِبَ وَاللَّهِ الْمُتَخَاذِلُونَ»؛ یعنی شماها هر چقدر هم قوی باشید، اما فردی و تنهایی و جدا از هم عمل کنید، به قسم جلاله من امیرالمؤمنین شکست خواهید خورد! حتی اگر رهبرتان علی بن ابی‌طالب باشد! تا وقتی هم‌افزایی نکنید پیروزی حاصل نخواهد شد. مقام معظم رهبری در این باره بیان داشته‌اند:

«یک توصیه هم از مولای متقیان علیه السلام عرض بکنم که برای امروز ما مهم است. حضرت در خطبه سی و چهارم می‌فرماید: غُلِبَ وَاللَّهِ الْمُتَخَاذِلُونَ؛ حضرت سوگند یاد می‌کند که اگر مؤمنان دست از یاری هم بردارند، شکست می‌خورند. «تخاذل» یعنی این به او کمک نکند، او به این کمک نکند؛ این معنای «تخاذل» است. حضرت قسم می‌خورد، می‌گوید: غُلِبَ وَاللَّهِ الْمُتَخَاذِلُونَ. خطاب به مردم آن زمان است، اما در واقع خطاب به کل بشریت است؛ مؤمنین باید به هم کمک کنند، مؤمنین بایستی پشتیبان هم باشند، مؤمنین بایستی از یکدیگر دفاع کنند، یاری کنند همدیگر را. شما می‌بینید دشمن در حال طراچی بر ضد شما است؛ خب در مقابل طراچی آنها، شما هم باید طراچی کنید؛ نباید بی‌عمل بمانید و ساکت بمانید، نباید تسلیم بشوید؛ چون او مرتب دارد طراچی می‌کند، ما نباید تسلیم طراچی او بشویم. آن وقت در همین خطبه حضرت خطاب به مردم خودشان می‌فرماید که «تُكَادُونَ وَلَا تُكِيدُونَ»؛ آنها علیه شما دارند طراچی می‌کنند، شما علیه آنها طراچی نمی‌کنید. این نبایستی در جامعه اسلامی وجود داشته باشد؛ اگر چنانچه آنها کید می‌کنند با شما، یعنی دارند طراچی و نقشه‌ریزی می‌کنند علیه شما، شما هم باید علیه آنها نقشه بریزید و طراچی کنید و کید کنید^۳».

^۱ قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۷۱.

^۲ قرآن کریم، سوره صف، آیه ۴.

^۳ بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت ۱۳۹۹/۰۶/۰۲.

بنابراین رسالت اصلی حلقه‌های میانی، فعال‌سازی ظرفیت‌های اجتماعی است. یک حلقه میانی بایستی رصد کند و هر جا که ظرفیت هم‌افزایی فعال نشده‌ای وجود دارد، به سراغش برود و برایش طراحی کند تا به شکوفایی برسد. این ظرفیت می‌تواند مادی، معنوی و یا معرفتی باشد. به‌عنوان مثال، اردوهای جهادی یکی از نمونه‌های فعال‌شده هم‌افزایی اجتماعی است. بچه‌ها در اردوها چه می‌کنند، یک روستای محروم را پیدا می‌کنند، از طرفی می‌بینند در دانشگاه، دانشجویان وقت خالی زیادی دارند - به ویژه در تابستان و ایام نوروز - آن نیاز را به این ظرفیت متصل می‌کنند. بعد می‌روند سراغ پول‌های ریز و درشت دست مردم و خیرین، آن‌ها را نیز به میدان می‌آوردند. این مثالی است از فعالیت‌هایی که یک حلقه میانی ناظر به زنجیره تواسی و هم‌افزایی باید انجام دهد.

۷. حلقه‌های میانی؛ الگوی مشارکت مردمی

یکی از موانع حاکمیتی مشارکت مردم، عدم وجود زیرساخت‌های فرهنگی و حقوقی است. بدون به رسمیت شناختن حریم آفرینش‌گری افراد، مردم در مدیریت فرهنگی مشارکت نکرده و از آن حمایت نمی‌کنند؛ چون احساس می‌کنند هرچه بیش‌تر به این مدیریت نزدیک می‌شوند، حاکمیت یک اولویت و حقی را نسبت به خود قائل می‌شود و آنان را مقهور خود می‌کند. براین اساس حلقه‌های میانی را در واقع باید راه‌کار ایجاد زیرساخت برای مشارکت مردمی دانست و هر کسی می‌تواند جزو حلقه‌های میانی احراز شود، به شرط آنکه واجد صلاحیت‌ها، آفرینش‌گری و کنش‌گری باشد. باید به این نکته توجه داشت که بدنه طبیعی جامعه و مدیران فرهنگی که در ساختارهای حاکمیتی قرار دارند حلقه میانی محسوب نمی‌شوند، بلکه افرادی جدای از این دو قشر که فعال‌تر هستند و در حوزه فرهنگ به آفرینش‌گری، تولید محصول یا گفتار فرهنگی و ایجاد زاویه دیدهای متفاوت می‌پردازند و در نتیجه این فعالیت‌ها مردم را در میدان‌های مختلف وارد کرده و سبب مشارکت مردم می‌شوند را باید حلقه‌های میانی نامید. براین اساس است که زیرساخت‌های مشارکت مردم توسعه پیدا می‌کند و همه مردم می‌توانند در آن نقش‌آفرینی کنند. نکته مهم در این میان، آن است که گاهی بخشی از حاکمیت دچار این توهم می‌شوند که قدرت آن‌ها از آن مردم و متکی به ایشان نیست، لذا مستقلاً خود را دارای قدرت می‌پندارند و لذا مشارکت را آن چیزی که خود می‌خواهند در نظر می‌گیرند. دلیل این توهم یا اتکا به پول نفت، یا دارای قدرت نظامی و قضائی بودن و یا امور دیگری است اما زمان زیادی نخواهد گذشت که نشانه‌های توهم بودن این امر خود را آشکار می‌کند. از قضا امروزه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و چالش‌ها و تهدیداتی از قبیل مهاجرت،

بی تفاوتی مردم و آشوب، از پیامدهای بی‌توجهی به حلقه‌های میانی و عدم الگوی مشارکت مردمی است. اساساً یکی از بزرگ‌ترین مسائل امروز جامعه ایران، مناسبات و ساختارهای ضد مشارکت مردمی است؛ بدین معنای که فضای اجتماعی یک مناسباتی شکل گرفته است که نتیجه آن کاهش مشارکت افراد در مسائل است. حلقه‌های میانی راهکاری برای تغییر مناسبات اجتماعی به سمت مشارکت‌گیری عمومی می‌باشند که در طی آن ساختارهای دیوان‌سالار باید جای خود را به مسیر ایجاد مکش اجتماعی دهند. بهترین حالت برای ایجاد این مشارکت، بهره‌گیری از ظرفیت‌هایی چون مسجد، بسیج، هیأت، گروه‌های جهادی و ... است.

۸. نسبت حلقه‌های میانی و مسائل کشور

«طرح مسئله» یعنی ترکیبی از معلومات و مجهولات، به شکلی که با کمک معلومات، بتوان مجهولات را به‌دست آورد. حلقه‌های میانی بایستی در جامعه اقدام به طرح مسئله کنند. بعضی طرح آسیب‌ها، محرومیت‌ها، ناهنجاری‌ها و مشکلات را با طرح مسئله یکی گرفتند درحالی‌که این کار، فقط طرح مجهولات است که اگر ضلع دیگرش دیده نشود به القای بن‌بست می‌انجامد. در واقع حلقه‌های میانی واسطه ترکیب عقلانیت با متن جامعه است. حلقه‌های میانی بایستی با طرح معلومات و داشته‌ها و به میدان آوردن آن‌ها برای رفع کاستی‌ها و نواقص تلاش کنند. مقام معظم رهبری در تعبیری به این مضمون بیان می‌دارند که برخی می‌خواهند با نداشته‌های انقلاب، داشته‌ها را از بین ببرند! در صورتی‌که راه منطقی این است که با داشته‌ها، نداشته‌ها را به‌دست آورید. اگر قرار باشد کلیدواژه‌ای برای این کارکرد حلقه‌های میانی به کار برده شود، می‌توان از کلیدواژه «اعداد استطاعت‌ها» بهره گرفت. کار حلقه‌های میانی، اعداد است: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ»^۱ آماده کردن ظرفیت‌هاست؛ شناسایی و شکوفا کردن ظرفیت‌ها و به فعلیت درآوردن آن‌هاست و اگر این کار با موفقیت محقق شد آن وقت آن هدف اصلی که گسترش و ارتقای هم‌افزایی اجتماعی در جامعه است، به اوج خود نزدیک خواهد شد. بنابراین، مهم‌ترین شاخص برای ارزیابی حلقه‌های میانی این است که یک حلقه میانی چه مقدار از ظرفیت‌های بالقوه را برای حل مسائل توانسته به فعلیت برساند. به‌عنوان مثال، اردوهای راهیان نور به مثابه بستری است که توانست ظرفیت‌های مردمی و خودجوش را به میدان بیاورد. این‌طور نیست که هزاران اردوی راهیان نور، تماماً توسط دولت و بسیج و سپاه

^۱ قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۶۰: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ».

تأمین شوند، بسیاری از این اردوها توسط مسجدی‌ها و نیروهای فرهنگی به صورت خودجوش راه‌اندازی می‌شد؛ به تعبیر رهبرانقلاب، راهیان نور یک فناوری نوین فرهنگی ایجاد کرد؛ یعنی سازوکاری ابداع شد که ظرفیت‌های مردمی را به صحنه کشید؛ یک نفر برنامه‌ریزی اردو می‌کرد، دیگری تولید محتوا، فردی مداحی، برخی خاطره‌انگاری می‌کرد، مستند تهیه می‌شد و... حلقه میانی آن مجموعه‌ای است که می‌تواند سازوکار شکوفاگر ظرفیت‌های مردمی را ایجاد کند و در حوزه اجتماعی و مردمی ظرفیت‌های بسیاری وجود دارد که اگر ده‌ها و صدها فناوری نوین فرهنگی دیگری مشابه راهیان نور ایجاد شود، باز هم جای کار وجود دارد. امروز مهمترین ویژگی جبهه فرهنگی انقلاب که مایهٔ فخر آن است را «تکلیف‌گرا» بودن آن باید دانست. اما مبتنی بر مبانی قرآنی انسان نمی‌تواند تکلیف‌گرا باشد مگر اینکه «وسع‌شناس» باشد: «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۱. می‌فرماید تکلیف، فرع بر وسع است. اگر مجموعه وسع، ظرفیت‌ها، دامنه استطاعت‌ها و قابلیت‌های خود را انسان بشناسد و احصا کند، آن موقع می‌تواند در انجام تکالیف سربلند باشد.

۹. مأموریت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای حلقه‌های میانی

چنانکه ذکر شد، حلقه‌های میانی در شرایط کنونی انقلاب باید مبتنی بر مأموریت‌ها و تکالیف آن شکل بگیرد. این مأموریت‌ها عبارتند از: الف) ایجاد حرکت عمومی محسوس و معقول و منضبط برای پیش‌بری گام دوم انقلاب اسلامی؛ ب) ایجاد قیام جوانان، کنش نسلی جوانان، جهش‌ها و جنبش‌های اجتماعی جوانان؛ ج) ایجاد و درهم‌آمیختگی تحول در لایه‌های حکمرانی، نسلی، محتوایی یا راهبردی و ساختاری؛ د) گفت‌وگو سازی و تبدیل مفاهیم به دیدگاه میلیون‌ها جوان ایرانی. مبتنی بر مأموریت‌های پیش رو، حلقه‌های میانی همواره در معرض چالش‌ها و موانعی قرار دارند که از مهم‌ترین آن‌ها باید به این موارد اشاره کرد؛ اولین چالش پیش روی حلقه‌های میانی، ناظر است به غفلت از مأموریت‌ها. به عبارت دیگر، اگر حلقه‌های میانی بر روی مأموریت‌های خود تمرکز نداشته باشند، شکست خواهند خورد. همچنین بازیگری نادرست سازمان‌ها را باید، مانع دیگر در مسیر حلقه‌های میانی دانست؛ متأسفانه بسیاری از سازمان‌ها با فهمی غلط، خود را در جایگاه حلقه‌های میانی قرار می‌دهند و در نتیجه مطالبهٔ بودجهٔ مختص به حلقه‌های میانی را دارند. چالش دیگر عبارت است از رسانه‌زدگی جبههٔ انقلاب

^۱ قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۸۶: «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ».

که به واسطه آن سلبریتی‌ها در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی جای حلقه‌های میانی را می‌گیرند و نقش هدایتی آن‌ها را عهده‌دا می‌شوند.

چهارمین چالش، یکی از موانع همیشگی در مسیر جریان‌های تشکلی است که عبارت است از مسأله الگوی تشکیلات. از آنجا که ذات حرکت چنین مجموعه‌هایی انسانی است، نیازمند الگوی دقیقی هستند و اساساً اصلی‌تری مخاطب بحث حلقه‌های میانی نیز، همین تشکل‌ها بوده‌اند؛ به نحوی که مجموعه‌هایی همچون تشکل‌های دانشجویی را باید پیشانی جریان و حرکت حلقه‌های میانی دانست. در این میان برای سامان دادن به حلقه‌های میانی و دستیابی به الزامات راهبردی آن، باید پرسش‌هایی را طرح کرد و به آن‌ها پاسخ داد. پرسش‌های مطرح همه از یک سنخ نیستند؛ برخی از پرسش‌ها مبنایی و جهت‌بخش هستند، برخی دیگر پرسش‌های بنیادین راهبردی، دسته دیگر از پرسش‌ها را باید مصداقی قلمداد کرد، پرسش‌های دیگر ناظر به وضع‌شناسی هستند و در نهایت پرسش‌های میدانی. لکن در این میان دو نکته مهم وجود دارد که از در دسته‌بندی پرسش‌ها، حیث‌های مختلفی از آن را شامل می‌شود. نکته اول ضرورت اتخاذ الگوهای راهبردی برای حلقه‌های میانی است و نکته دیگر توجه به طراحان و طرح‌های بزرگ جبهه انقلاب است؛ در شرایط فعلی و وضع امروز، به صورت خاص افراد یا مجموعه‌هایی با طراحی‌هایی که صورت می‌دهند، عملاً هدایت‌های کلی جبهه انقلاب را در اختیار گرفته‌اند. لذا فهم این که این افراد یا گروه‌ها چه کسانی هستند از اهمیت زیادی برخوردار است.